مجله‌ی علمی‌پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال سوم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱ (پیاپی ۵)

تبارشناسی پژوهش‌های ادبیات کودکان از منظر روش‌شناختی

دکتر لیلا مکتبی‌فرد* دکتر یزدان منصوریان**
دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

ردپای پژوهش‌هایی با موضوع ادبیات کودکان و نوجوانان را در رشته‌های متنوعی می‌توان یافت. طبیعی است که هر یک از این پژوهش‌ها با توجه به پرسش‌ها و رشته‌های مرتبط با خود، از روش‌شناسی‌ها و روی‌کردهای گوناگونی بهره جسته‌اند. در پژوهش حاضر برای ارائه‌ی ترسیم شناختی کلی از وضعیت روش‌های پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان، ۱۶۴ پایان‌نامه در حوزه‌ی یادشده شناسایی و با تکمیل مشخصات کتاب‌شناختی و چکیده‌ی این آثار مطالعه‌ای با روش تحلیل محتوا بر آن‌ها انجام شد. از مجموع ۱۶۴ پژوهش شناسایی شده، ۴۰ اثر با رویکرد کیفی، ۴۸ مورد با روی‌کرد کمی ۱۲ پژوهش به کمک روش‌های ترکیبی، و ۵۱ عنوان نیز به روش سندی/ کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این میان ۱۳ پایان‌نامه نیز وجود دارد که به ترجمه، تدوین کتاب‌شناسی، یا بازنویسی آثار کهن پرداخته‌اند. تاکنون بیش‌ترین پایان‌نامه با موضوع ادبیات کودک و نوجوان در رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی (۵۳ عنوان) به انجام رسیده است. درمقابل برخی رشته‌ها مانند زبان و ادبیات فارسی و علوم تربیتی، با وجود داشتن گرایش‌های مختلف، همچنان سهم کم‌تری را در این حوزه دارند. روند رشد کمی پژوهش‌ها نشان‌دهنده‌ی سیر صعودی است که در دهه‌ی هشتاد به اوج خود یعنی ۷۲ عنوان پایان‌نامه رسیده است. به نظر می‌رسد از میان هفت مقوله‌ی شناسایی شده در پژوهش‌های ادبیات کودک و نوجوان، آثار منتشر شده در این حوزه در قالب شعر، داستان، و ... بیش‌تر

---

* استادیار کتابداری و اطلاع رسانی RoyaMaktabi@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)
** دانشیار کتابداری و اطلاع رسانی y.mansourian@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۱۰

توجه پژوهش‌گران را به خود جلب کرده‌اند. این موضوع نشان‌گر ارتباط میان روش‌های پژوهش و مقوله‌های پرطرف‌دار نیز هست. موضوع‌هایی که در مطالعات این حوزه مطرح می‌شوند، آن قدر گسترده و متنوع هستند که پاسخ‌گویی به هر یک به استفاده از روش خاصی نیاز است.

واژه‌های کلیدی: *پایان‌نامه‌نویسی در ادبیات کودک، پژوهش در ادبیات کودک، روش‌شناسی پژوهش.*

۱. مقدمه

ادبیات کودکان، حتی به عنوان رشته‌ای مستقل، ماهیتاً به گونه‌ای است که با بسیاری از رشته‌ها، هم‌جوار و با برخی دیگر آمیخته است؛ چون کودکی، با همه‌ی ویژگی‌های یگانه‌اش، از دیگر جنبه‌های زندگی بشر جدا نیست. به سخن دیگر آن‌چه که با انسان و علوم مرتبط با او، (به صورت مستقیم و در قالب علوم انسانی و یا به شکلی غیرمستقیم و در قالب علوم محض و کاربردی)، کودک و مقوله‌ی کودکی را نیز در برمی‌گیرد. هم از این روست که پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان تاکنون از رشته‌ها و گرایش‌های گوناگونی برخاسته است.

جنبه‌های گوناگون مطالعات ادبیات کودک را می‌توان در مثالی ساده تشریح کرد؛ هر گاه اثری تازه در این زمینه منتشر می‌شود، متخصصان علوم تربیتی جنبه‌های آموزشی و تربیتی آن و استادان زبان و ادبیات ساختار و محتوای آن را (از نظر بی‌نیازی ادبی یا ظرایف زبان‌شناسی) بررسی می‌کنند، روان‌شناسان به آثار و پیامدهای روانی مطالعه چنین اثری می‌اندیشند، متخصصان ارتباطات در پی شناسایی مضامین نشانه شناسی آن هستند، جامعه‌شناسان به جستجوی ریشه‌ها و پیامدهای فرهنگی آن می‌پردازند، کتابداران به گزینش یا برنگزیدن آن برای مجموعه کتابخانه خود می‌اندیشند، و سرانجام والدین کودکان نیز امیدوارند مطالعه آن اثر برای فرزندشان سرگرم‌کننده و مفید باشد. گروه‌های دیگری که به شکل بالقوه امکان بررسی آثار منتشر شده در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان را دارند، البته بیش از افراد یاد شده در این مثال است.

ماهیت ادبیات کودک و مشخص کردن رشته‌های نزدیک به آن همواره یکی از دغدغه‌های نظریه‌پردازان این حوزه بوده است. در یک نگاه کلی ادبیات کودک و نوجوان را از یک‌سو در حوزه‌ی تعلیم و تربیت و روان‌شناسی کودک و از سوی دیگر

در قلمرو مطالعات زبان و ادبیات می‌دانند (اروین،[1] ۱۹۸۳: ۶۷). پیش از آن نیز در یک نظرخواهی که شورای مدرسان زبان انگلیسی در سال ۱۹۶۸ از مدرسان ادبیات کودک در سطح دانشگاهی به عمل آورد، مشخص شد که درس‌های دانشگاهی ادبیات کودک بهتر است در رشته‌های آموزش ابتدایی، علوم کتاب‌داری و زبان انگلیسی ارائه گردد (هانت، ۱۳۸۷: ۲۶). از دیدگاه اروین (۱۹۸۳: ۲۶) می‌توان روی‌کرد مستقلی برای ادبیات کودک در نظر گرفت، آن‌گاه که نقد کودک- محور،[2] اثر- محور،[3] یا موضوع- محور[4] را در مطالعات خود لحاظ کرده باشیم.

بیچر و ترالر (۲۰۰۲) (نقل در هانت، ۱۳۸۷: ۲۷) معتقدند نویسندگانی که درباره ادبیات کودک می‌نویسند، همواره با این خطر روبه‌رو هستند که آن‌چه می‌نویسند دارای ماهیتی نامشخص و سرگردان میان یک نظریه‌ی مجرد یا مطالبی سطحی و پیش پاافتاده تلقی‌شود؛ به سخن دیگر، ادبیات کودک را یک رشته‌ی کاربردی نرم در مقابل رشته‌های کاربردی سختی مانند مهندسی یا رشته‌های نرم نظری مانند نظریه‌ی نقد ادبی در مقابل رشته‌های نظری سختی مانند ریاضیات می‌دانند. به همین دلیل نوشتن درباره‌ی ادبیات کودک از وضعیت دو مقوله‌ای «نرم – کاربردی» که هر دو مقوله‌ی آن کم ارزش تلقی می‌شوند، به سمت ماهیتی «نرم – نظری» حرکت کرده است.

امروزه ردپای پژوهش‌هایی مربوط به ادبیات کودکان و نوجوانان را در رشته‌های گوناگونی مانند علوم تربیتی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، ادبیات (نظریه و نقد ادبی)، علوم کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، مطالعات فرهنگی، ارتباط تصویری، گرافیک، مطالعات رسانه‌ها، فرهنگ عامه و... می‌توان یافت. طبیعی است که هریک از این پژوهش‌ها با توجه به پرسش‌ها و رشته‌های مرتبط با خود، از روش‌شناسی‌ها و روی‌کردهای گوناگونی بهره جسته‌اند.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، مقاله حاضر تلاشی است برای ترسیم تصویری گذشته نگر از روی‌کردها و روش‌های پژوهش مورد استفاده در مطالعات حوزه ادبیات کودک و نوجوان در ایران. نویسندگان این اثر برآنند که با نگاهی تحلیلی آثار منتشر شده در این حوزه را از جنبه‌ی روش‌شناختی بررسی کنند.

---

[1] Erwin
[2] Child-centered criticism
[3] Work-centered criticism
[4] Issue-centered criticism

۲. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش بر آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. پژوهش‌گران ایرانی در مطالعات ادبیات کودک و نوجوان تاکنون از چه روش‌های پژوهشی استفاده کرده‌اند؟

۲. کدام رشته‌های دانشگاهی تاکنون در مطالعات خود به ادبیات کودک و نوجوان پرداخته‌اند و بیش‌ترین سهم از آن کدام رشته‌های دانشگاهی است؟

۳. روند رشد کمی پژوهش‌های مرتبط ادبیات کودک و نوجوان در ایران چگونه بوده است؟

۴. وضعیت تقسیم گرایش‌های موضوعی در پژوهش‌های ادبیات کودکان و نوجوانان چگونه بوده است؟

۳. پیشینهی پژوهش

اروین (۱۹۸۳) ضمن توجه به رویکردهای گوناگونی که تا زمان انجام پژوهش وی به ادبیات کودکان وجود داشته است (نقد ادبی، علوم تربیتی و نقد کودک- محور، اثر- محور، یا موضوع- محور)، فهرستی توصیفی – تحلیلی از کتاب‌شناسی‌های موجود در این حوزه را فراهم کرده است. در این اثر او تأکید می‌کند که هر پژوهش‌گری از دید خود و متناسب با رشته‌ای که از آن برآمده است، به ادبیات کودکان پرداخته است؛ از همین‌رو، به همین دلیل هر پژوهشی با روشی مستقل و مجزا صورت گرفته است؛ چه بسا پیوندهایی میان رشته‌های گوناگون از این جهت وجود داشته باشد. با وجود این اروین معتقد است که این رویکردها از یک‌دیگر جداشدنی نیستند و چنان‌چه بخواهیم چشم‌اندازی آگاهی‌بخش و کل‌نگر از ادبیات کودک ارائه کنیم، باید تلفیقی از ادبیات و مطالعات کودک را مبنای کار قرار دهیم.

از این نظر که اثر اروین (۱۹۸۳) در تلاش بوده تا رویکردهای گوناگون را، به ویژه در حوزهی روش‌شناسی پژوهش در ادبیات کودک، شناسایی و تحلیل کند و با توجه به رویه‌ای که به هنگام تنظیم دسته‌های گوناگون کتاب‌شناسی‌های کودک دنبال کرده است، با پژوهش حاضر وجوه مشترکی دارد.

کریستنسن و جیمز[1] (۲۰۰۰) نیز در مجموعه مقالاتی با عنوان *پژوهش درباره کودکان: نگرش‌ها و روش‌ها* گزیده‌ای از آثار محققان مسائل مربوط به کودکان را با محور مبانی روش شناختی تحقیق ارائه کرده‌اند. در این اثر امتیازها و کاستی‌های روش‌های مختلف کمّی و کیفی[2] در تحقیقات مربوط به کودکان بررسی شده است، و در آن جنبه‌های گوناگون زندگی کودکان در حوزه مستقلی با عنوان «مطالعات اجتماعی کودکان»[3] معرفی می‌شود. در چنین روی‌کردی، به کودک به عنوان عضو فعال[4] و مستقلی از جامعه نگریسته می‌شود و دوره‌ی کودکی نه فقط در حد مرحله‌ی پیش از بزرگسالی، بلکه در جایگاه دوره‌ای مستقل و مهم از زندگی آدمی به شمار می‌آید. مباحثی که در این اثر درباره روش‌های پژوهش مورد استفاده در مطالعات کودکان مطرح می‌شود، در نهایت به این نتیجه منجر می‌شود که پژوهش درباره‌ی جنبه‌های مختلف دوره‌ی کودکی و زندگی کودکان بیش از آن‌که به روش تحقیق مستقل و جدیدی نیاز داشته باشد، نیازمند به کار بستن دقیق و هدف‌مند روش‌های موجود است. به گونه‌ای که در هر پژوهش با توجه به هدف تحقیق و گستره‌ی آن زمینه‌های لازم برای کاربرد مؤثر روش‌های انتخابی فراهم آید.

محسن‌زاده (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی با عنوان *فرایند زیست روش‌های پژوهش در پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی (۱۳۴۷-۱۳۷۸)* به کشف روند به‌کارگیری روش‌های پژوهش در پایان‌نامه‌های رشته‌ی کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی پرداخته است. از آن‌جایی که در پژوهش محسن زاده رشته‌ی تحصیلی معین و واحد بوده، وی تنها به تفکیک روش‌های پژوهش و اوج و فرود هر یک در دوره‌های زمانی مختلف پرداخته است. اما پژوهش یادشده از این نظر که بسامد روش‌های پژوهش را در حوزه‌ی مورد نظر سنجیده و مناسبات اوج و فرود این روش‌ها را در طول زمان با تغییرات و مقتضیات رشته بررسی کرده، با پژوهش حاضر شباهت‌هایی دارد.

گفتنی است که تأسیس مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز در سال ۱۳۸۴ و در پی آن، تأسیس دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی ادبیات کودک آن‌گونه که خسرونژاد (۱۳۸۷: ۵۳) تأکید می‌ورزد به عنوان «استقرار ادبیات کودک در مقام معرفتی،

---

[1] James & Christensen
[2] Quantitative and qualitative approaches
[3] Social studies of childhood
[4] Social actor

هم‌تراز با معرفت‌های آکادمیک دیگر» و هم‌زمان «به معنای نهادینه شدن روش‌مندی پژوهش، نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک در ایران» ضرورت پرداختن به چنین پژوهشی را پیرامون وضعیت فعلی روش‌شناسی پژوهش در این حوزه برجسته‌تر می‌سازد؛ چرا که هر رشته‌ی دانشگاهی مستقل، برای حفظ و تثبیت هویت خویش، ناچار روش‌شناسی‌های ویژه‌ی خود را می‌خواهد.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش محققان با بررسی استقرایی محتوای مجموعه مورد مطالعه – که در این پژوهش مطالعات بخش ادبیات کودک در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۹ بود – به شناسایی مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با موضوع مطالعه پرداختند. از آن‌جا که در این بررسی هیچ چارچوب مفهومی و مقوله‌ی خاصی نبود؛ و فقط با بررسی داده‌های موجود به شناسایی مفاهیم پرداخته شد، روش تحلیل استقرایی بوده است. از سوی دیگر با توجه به این‌که پژوهش‌گران در این بررسی بیش از آن‌که نگران سنجش و شمارش کمّی مفاهیم باشند، نگران کشف و شناسایی این مفاهیم بوده‌اند، روی‌کردشان کیفی بوده است. در ادامه آنان با توصیف و مقایسه مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش تصویری از پدیده‌ی مورد مطالعه را ترسیم کردند.

۵. جامعه‌ی پژوهش

از آن‌جا که این پژوهش بر آن بود که تصویری از پژوهش‌های انجام شده در بخش ادبیات کودکان در ایران به دست دهد، لازم بود که چنین بررسی بر روی آثاری که ماهیت پژوهشی دارند، انجام شود. به نظر می‌رسید در حال حاضر تنها ماده‌ی اطلاعاتی، که می‌توان به طور قطع آن را نتیجه‌ی یک پژوهش سازمان‌یافته تلقی کرد، پایان نامه‌هایی است که در رشته‌های گوناگون با موضوع ادبیات کودک و نوجوان نگارش یافته‌اند.

از این رو نگارندگان به منظور دست یافتن به نمونه‌ای هدف‌مند[1] جست‌وجویی جامع را در سه پایگاه عمده‌ی اطلاعات کتاب‌شناختی پایان‌نامه‌های فارسی یعنی

[1] Purposeful sampling

«پژوهش‌گاه علوم و فناوری اطلاعات ایران»،[1] «سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران»،[2] و «مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری»[3] و همین‌طور بخش پایان‌نامه‌های کتابخانه‌ی تحقیقاتی شورای کتاب کودک و سایت مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز به انجام رساندند. کلیدواژه‌هایی که در این جست‌وجو مورد استفاده قرار گرفتند عباتند از:

ادبیات کودک/ ادبیات کودکان/ ادبیات نوجوان/ ادبیات نوجوانان/ شعر کودک/ شعر کودکان/ شعر نوجوان/ شعر نوجوانان/ داستان کودک/ داستان کودکان/ داستان نوجوان/ داستان نوجوانان/ کتاب کودک/ کتاب کودکان/ کتاب نوجوان/ کتاب نوجوانان

در نهایت ۱۶۹ مدرک مرتبط در پایگاه‌های پیش‌گفته بازیابی شد. برخی از اطلاعات این مدارک ناقص بود که از طریق جست‌وجو در منابع دیگر و در پاره‌ای موارد با مراجعه به اصل اثر تکمیل شد. تنها اطلاعات کامل مربوط به ۵ مورد از این مدارک در هیچ منبعی موجود نبود که ناگزیر از جامعه‌ی پژوهش حذف شد. به این ترتیب دست‌مایه‌ی پژوهش‌گران برای انجام این کار در مجموع ۱۶۴ پایان‌نامه شامل ۲ پایان‌نامه‌ی کارشناسی، ۱۵۳ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و ۹ رساله‌ی دکتری در بخش ادبیات کودک بود که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۹ در دانشگاه‌های دولتی و آزاد کشور دفاع شده است.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۶-۱. روش‌های پژوهش

پرسش اول این پژوهش در خصوص روش‌های به‌کار گرفته شده در این پژوهش‌ها و متداول‌ترین روش‌های پژوهش در این بخش بوده است. پاسخ این پرسش را می‌توان در جدول شماره‌ی ۱ یافت:

[1] http://database.irandoc.ac.ir/DL/Search/
[2] http://www.nlai.ir/
[3] http://www.srlst.com/rlst-frs.htm

جدول ۱. روش‌های پژوهش به کار رفته در پایان‌نامه‌ها به ترتیب فراوانی

ردیف	روش	فراوانی
۱	سندی/کتابخانه‌ای	۵۱
۲	تحلیل محتوای کیفی	۲۹
۳	تحلیل محتوای کمّی	۲۴
۴	پیمایشی	۱۹
۵	شبه پژوهش‌ها (مثل بازنویسی، تدوین کتاب‌شناسی و ترجمه)	۱۳
۶	ترکیبی (آمیخته)	۱۲
۷	پژوهش تاریخی	۴
۸	آزمایشی/ تجربی	۳
۹	تحلیل گفتمان انتقادی	۳
۱۰	بررسی تطبیقی	۲
۱۱	کتاب‌سنجی	۲
۱۲	گراندد تئوری	۱
۱۳	قوم نگاری	۱
۱۴	جمع	۱۶۴

اگر بخواهیم داده‌های جدول ۱ را با دید کلان‌تری تقسیم‌بندی کنیم، نتایجی به این شرح به دست خواهد آمد:

از مجموع ۱۶۴ پژوهش شناسایی شده، ۴۰ اثر با رویکرد کیفی، ۴۸ مورد با روی‌کرد کمی ۱۲ پژوهش به کمک روش‌های ترکیبی، و ۵۱ عنوان نیز به روش سندی/ کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این میان ۱۳ پایان نامه نیز وجود دارد که به ترجمه، تدوین کتاب‌شناسی، یا بازنویسی آثار کهن پرداخته‌اند. چنین آثاری در زمان نگارش (بیش‌تر این آثار مربوط به دهه‌ی چهل و پنجاه شمسی هستند)، به عنوان یک پژوهش روش‌مند در قالب پایان‌نامه مورد تأیید بوده‌اند، اما امروزه نمی‌توان آن‌ها را به عنوان یک اثر پژوهشی قلمداد کرد. از این رو نگارندگان عبارت شبه پژوهش را برای آن‌ها به کار برده‌اند. در مواردی که از آن‌ها به عنوان روش‌های ترکیبی نام برده شده نیز بیش از یک روش استفاده شده بود و این ترکیب به گونه‌ای بود که امکان انتساب پژوهش به یک روش واحد وجود نداشت. به‌ویژه در پژوهش‌های گروه هنر گاهی آثاری وجود داشت که پژوهش‌گر پس از انجام یک مطالعه‌ی سندی/ کتابخانه‌ای خود به خلق یک

الگـو بـه صـورت عملـی در موضـوع یادشـده (تصویرسـازی، تـألیف و اجـرای یـک نمایش‌نامه و...) پرداخته بود.

۶-۲. رشته‌های دانشگاهی

پرسش دوم این پژوهش مربوط به رشته‌های دانشگاهی که پژوهشی در حوزه‌ی ادبیـات کودک و نوجوان در آن‌ها انجام شده و رشته‌هایی که بیش‌ترین سهم را در پژوهش‌هـای حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان به خود اختصاص داده‌اند، بود. در جدول شماره‌ی دو می‌توان اطلاعات مربوط به پاسخ این پرسش را دید.

همان‌گونه که داده‌های این جدول نشان می‌دهد، تاکنون بـیش‌تـرین پایـان نامـه بـا موضوع ادبیات کودک و نوجوان در رشته‌ی کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی به انجـام رسـیده اسـت. در مقابـل برخـی رشـته‌هـا ماننـد علـوم تربیتـی و ادبیـات فارسـی (بـا وجـود خویشاوندی نزدیکی که از دید صاحب‌نظران با این حوزه دارند)، سـهم کـم‌تـری را در این حوزه از آن خود کرده‌اند.

جدول ۲. فهرست عناوین رشته‌ها و گرایش‌ها به ترتیب فراوانی

ردیف	رشته	گرایش	فراوانی	جمع
۱	کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی	–	۵۳	۵۳
۲	هنر	ارتباط تصویری	۱۷	۴۵
		تصویرسازی	۱۱	
		ادبیات نمایشی	۶	
		پژوهش هنر	۴	
		نقاشی	۳	
		گرافیک	۲	
		تاریخ هنر	۱	
		برنامه‌ریزی امور فرهنگی	۱	
۳	زبان و ادبیات فارسی	–	۲۴	۲۴
۴	علوم تربیتی	روان‌شناسی تربیتی	۳	۱۳
		آموزش و پرورش پیش از دبستان	۳	
		نامشخص	۲	

جدول ۲. فهرست عناوین رشته‌ها و گرایش‌ها به ترتیب فراوانی

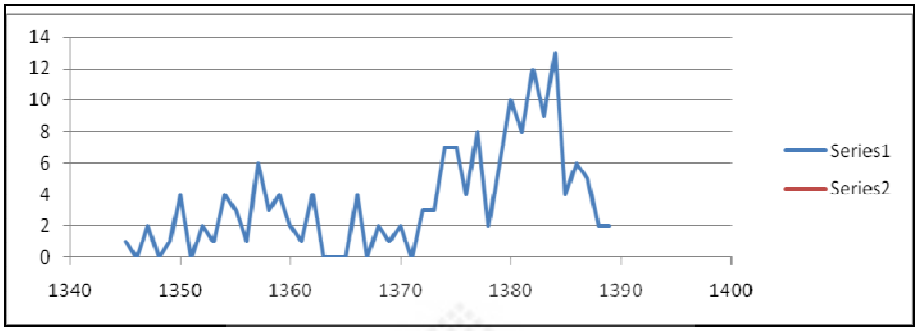
ردیف	رشته	گرایش	فراوانی	جمع
		تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت	۲	
		برنامه‌ریزی درسی	۱	
		مدیریت آموزشی	۱	
		آموزش ابتدایی	۱	
۵	زبان شناسی	زبان‌شناسی همگانی	۶	۹
		آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان	۳	
۶	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی	۷	۸
		مردم شناسی	۱	
۷	زبان‌های خارجی	زبان و ادبیات انگلیسی	۲	۶
		زبان و ادبیات فرانسه	۱	
		زبان و ادبیات روسی	۱	
		مترجمی زبان فرانسه	۱	
		آموزش زبان آلمانی	۱	
۸	ایران شناسی	ادبیات عامیانه	۲	۲
۹	پیراپزشکی	شنوایی‌سنجی	۱	۱
۱۰	مدیریت	مدیریت امور فرهنگی	۱	۱
۱۱	علوم سیاسی	–	۱	۱
۱۲	مطالعات زنان، زن و خانواده	–	۱	
۱۳	جمع کل		۱۶۴	۱۶۴

۶-۳. روند رشد کمّی پژوهش‌ها

بر پایه‌ی اطلاعات ثبت شده در پایگاه‌های مورد جست‌وجو در این مطالعه، تاریخ اجرای نخستین پژوهش دانشگاهی در قالب پایان‌نامه در این حوزه به سال ۱۳۴۵ بازمی‌گردد.

نمودار شماره‌ی یک فراوانی پژوهش‌ها در سال‌های موردنظر و رشد و افول آن‌ها را در طول یک دوره‌ی زمانی ۴۵ساله (۱۳۴۵–۱۳۸۹) به تصویر کشیده است.

نمودار ۱. روند رشد کمی پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان



بر این اساس بیش‌ترین تعداد پایان‌نامه‌ی نگارش یافته در این حوزه (۷۲ عنوان) مربوط به دهه‌ی هشتاد است. به‌طور مشخص در این دهه در سال ۱۳۸۴، ۱۳ پایان‌نامه با این موضوع در پایگاه‌های مربوط به ثبت رسیده است که بیش‌ترین میزان نگارش پایان نامه در یک سال در بخش یادشده بوده است.

۶-۴. گرایش‌های موضوعی

با توجه به همه‌ی جنبه‌هایی که ممکن است در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان برشمرده شود، در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان هفت «مقوله»[1] یا موضوع اصلی زیر را در مطالعات ادبیات کودکان برشمرد:

۱. کودکان و نوجوانان به عنوان جامعه هدف و مخاطبان اصلی محصولات این بخش؛
۲. بزرگ‌سالانی که در نقش‌های مختلفی مانند پدر، مادر، معلم یا کتاب‌دار با کودکان در ارتباطند؛
۳. پدید آورندگان آثار در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان، اعم از نویسندگان، مترجمان، و تصویرگران؛
۴. آثار منتشرشده در این حوزه اعم از کتاب، فیلم، رسانه‌های دیداری و شنیداری، سایت‌های اینترنتی و...؛

[1] Category

۵. ناشران و دیگر سرمایه‌گذاران اقتصادی در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان؛
۶. نهادها و سازمان‌هایی که هر یک به یگانه‌ای با کودکان در ارتباطند. مدرسه، کتابخانه، مؤسسات دولتی یا غیرانتفاعی که درباره‌ی ادبیات کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند؛
۷. منتقدان و پژوهش‌گران این حوزه به عنوان پیوند دهنده سایر مقوله‌ها.

البته بدیهی است که همواره انتساب یک پژوهش به یک مقوله‌ی خاص به آسانی امکان‌پذیر نیست. چون معمولاً درون‌مایه‌ی یک پژوهش می‌تواند بیش از یک مقوله را در برگیرد. مثلاً ممکن است پژوهشی دارای یک محور اصلی و چند محور فرعی باشد. به این ترتیب نمی‌توان تنها با توجه به محور اصلی آن، محورهای فرعی را نادیده گرفت. حتی فراتر از این، گاه چند محور موضوعی هم‌ارز در یک مطالعه مطرح می‌شود که به سادگی نمی‌توان رابطه‌ی اصلی و فرعی میان آن‌ها مشاهده کرد.

چگونگی و میزان توجه به هر یک از مقوله‌ها در چکیده‌ها و عنوان‌های پایان‌نامه‌ی بررسی شده را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

جدول ۳. وضعیت تقریبی توجه پژوهش‌گران به هفت مقوله‌ی اصلی در بخش ادبیات کودک و نوجوان

ردیف	مقوله‌ی اصلی	فراوانی	مقوله‌های مشترک	فراوانی
۱	آثار ادبیات کودک و نوجوان	۹۶	آثار/کودکان	۱۳
۲	کودکان و نوجوانان	۳۰	آثار/ بزرگ‌سالان	۲
۳	پدیدآورندگان آثار ادبیات کودک و نوجوان	۱۵	آثار/ پژوهش‌گران	۱
۴	بزرگ‌سالان در ارتباط با کودکان و نوجوانان	۶	کودکان/ بزرگ‌سالان	۲
۵	نهادها و سازمان‌های فعال در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان	۳	بزرگ‌سالان/ نهادها	۱
۶	پژوهش‌گران و منتقدان حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان	۲	پدیدآورندگان/ نهادها	۱
۷	ناشران و سرمایه‌گذاران اقتصادی	–	آثار/ ناشران	۱
۸			آثار/ پدیدآورندگان	۱
۹			آثار/ نهادها	۱

بر این اساس به نظر می‌رسد که بیش‌تر توجه پژوهش‌گران این بخش تاکنون به آثار ادبیات کودک و نوجوان، اعم از شعر، داستان، بازنویسی، تصویر، فیلم و ... معطوف بوده است. مقوله‌ی پرطرف‌دار بعدی در این بخش، خود کودکان و نوجوانان است؛ گو اینکه تعداد پژوهش‌هایی که بر این موضوع متمرکز بوده‌اند به مراتب کم‌تر از مقوله‌ی نخست است. ناشران و سرمایه‌گذاران اقتصادی در بخش ادبیات کودک و نوجوان نیز تاکنون به عنوان مسئله یا موضوع هیچ پژوهشی انتخاب نشده‌اند و تنها در پژوهشی به صورت مشترک با مقوله‌ی آثار دست‌مایه‌ی یک پژوهش قرار گرفته‌اند.

تنها یک پژوهش در موضوع یا مسئله‌ی پژوهش خود به بیش از یک مقوله توجه کرده است، که در این مورد نیز مقوله‌ی مشترک آثار و کودکان بیش‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

۷. نتیجه‌گیری

از مرور یافته‌های حاصل از این پژوهش نتایجی به دست آمد که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر تبیین کرد:

- داده‌های جدول یک نشان می‌دهد که پژوهش‌گران حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان در تدوین پایان نامه‌هایی با این موضوع بیش‌تر از روش سندی/ کتابخانه‌ای و پس از آن از تحلیل محتوا (کمی و کیفی) بهره جسته‌اند. با اندکی دقت در داده‌های جدول سه، که دربردارنده‌ی اطلاعاتی درباره‌ی میزان توجه پژوهش‌گران به مقوله‌های مختلف بخش ادبیات کودکان است، می‌توان به نوعی ارتباط میان این مقوله‌ها و روش‌های پژوهش در این حوزه پی برد. به سخن دیگر، همان‌گونه که پیش از این گفته شد، تعداد نسبتاً زیادی از پژوهش‌های انجام شده در این بخش بر آثار ادبیات کودکان در قالب شعر، داستان، تصویر، فیلم و ... متمرکز بوده و طبیعی است که این مقوله بیش‌تر با مفاهیم و معنای پوشیده در این آثار سروکار داشته باشد و در نتیجه روش‌هایی مانند تحلیل محتوا و سندی/ کتابخانه‌ای نیز برای پاسخ‌گویی به مسائل این پژوهش‌ها مناسب‌تر است. از سوی دیگر تعداد نسبتاً اندک پژوهش‌هایی پیرامون مقوله‌های مربوط به کودکان که در واقع جامعه‌ی هدف و مخاطب چنین آثاری هستند، علاوه بر تفکربرانگیز بودن، به نوعی با دیگر داده‌های پژوهش درخصوص تعداد اندک پژوهش‌های انجام شده با روش پیمایشی و آزمایشی/ تجربی همخوانی

دارد. آنچه این نتیجه را چالش‌برانگیز می‌کند، ضرورت پرداختن به دنیای کودکان و مفهوم کودکی (به عنوان یکی از مقوله‌های کم‌تر کار شده) برای ورود به بحث حیاتی و کم‌ترشناخته‌شده‌ی مخاطب‌شناسی در ادبیات کودکان است. بحث مخاطب‌شناسی از جمله مقوله‌هایی است که شاید بتوان با انجام پژوهش‌های میدانی و پیمایشی برخی از زوایای تاریک آن را روشن کرد.

- یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود سیطره‌ی نسبی رویکردهای کمّی در روش‌های پژوهش علوم انسانی و اجتماعی در ایران، توجه پژوهش‌گران ایرانی حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان به روی‌کردهای کیفی چندان کم نبوده است. چه‌بسا برخی از روش‌های کیفی مانند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (گراندد تئوری) کم‌تر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. روش‌هایی که به دلیل ماهیت جزیی‌نگر، کیفی، و عمیقشان امکانات بالقوه‌ای برای کشف برخی زوایای پنهان ادبیات کودک دارند. یکی از بارزترین مصداق‌های این ابهام‌ها می‌تواند ماهیت ادبیات کودک باشد. نکته‌ای که همچنان مورد مناقشه‌ی برخی از صاحب نظران این بخش است.
- رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی به عنوان یکی از معدود رشته‌های دانشگاهی که واحدی مختص ادبیات کودکان و نوجوانان دارد، رشته‌ای است که بیش‌ترین میزان پژوهش دانشگاهی در قالب پایان‌نامه را در این زمینه به خود اختصاص می‌دهد. این در حالی است که در ساختار دانشگاهی که برای رشته‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان درنظر گرفته شده، گروه‌های زبان و ادبیات فارسی به عنوان میزبان و جایگاه علمی و دانشگاهی آن مشخص شده‌اند. این امر ضرورت توجه بیش‌تر گروه‌های ادبیات فارسی به ادبیات کودک و نوجوان را بیش از پیش مشخص می‌سازد. به‌ویژه آن‌که تاکنون تعداد اندکی پایان‌نامه در این زمینه در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی ارائه شده است.
- نگاهی کوتاه به فهرست رشته‌های دانشگاهی که تاکنون میزبان پایان نامه‌هایی با موضوع ادبیات کودک و نوجوان بوده‌اند، خلاء حضور برخی رشته‌ها را نشان می‌دهد؛ برای نمونه رشته‌هایی مانند مطالعات زنان، که در برخی متون پایه‌ی ادبیات کودک به ارتباط تنگاتنگ میان آن با این‌گونه از ادبیات اشاره شده است (هانت، ۱۳۸۶) و روان‌شناسی کودک، با توجه به مضامین آن باید توجه بیش‌تری نسبت به

بخش ادبیات کودکان و نوجوانان نشان دهند. با توجه به بی‌توجهی پژوهش‌گران این حوزه نسبت به ناشران و سرمایه‌گذاران اقتصادی که در جدول سه مشخص شده بود، جای خالی برخی دیگر از رشته‌ها مانند اقتصاد و بازرگانی نیز در این بخش دیده می‌شود.

- روند رشد کمّی پژوهش‌های این بخش نشان می‌دهد که به جز افت نسبی که در دهه‌ی شصت روی داده، در طول زمان تعداد پژوهش‌های انجام شده با موضوع ادبیات کودک و نوجوان در قالب پایان‌نامه رو به افزایش بوده است. به ویژه، ارائه‌ی ۴ پایان نامه در مقطع دکتری در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۹ می‌تواند نشان از توجه جدی بخش آکادمیک به این موضوع باشد ورود ادبیات کودک و نوجوان به بخش آکادمیک و راه‌اندازی کارشناسی ارشد این رشته نیز می تواند موجب ارتقای کمیت و کیفیت در این زمینه شود.

۱. بررسی اطلاعات کتاب‌شناختی و چکیده‌ی پایان نامه‌های مورد مطالعه در این پژوهش نشان‌گر آن است که موضوع‌هایی که در مطالعات این حوزه مطرح می‌شوند، آن‌قدر متنوع و گسترده هستند که پاسخ‌گویی به هریک به استفاده از روشی ویژه نیاز دارد. مقوله‌های فرض شده در پژوهش‌های این بخش و رشته‌های تحصیلی که میزبان مطالعات ادبیات کودک و نوجوان بوده‌اند نیز، مؤید همین نکته هستند. کریستنسن و جیمز نیز در اثر خود بر این نکته تأکید کرده‌اند که پژوهش‌گرانی که به گونه‌ای با کودک و مطالعات کودکی سروکار دارند، بهتر است به جای اندیشیدن به روشی مستقل - گو این‌که به باور نگارندگان فرض رسیدن به چنین روشی نیز در پژوهش‌های آینده منتفی نیست- با دقت بیش‌تری به مکاشفه در روش‌شناسی‌های موجود بپردازند و فراموش نکنند آن‌چه در مطالعات آن‌ها اصل و مبنا است، خود کودکان و دنیای مربوط به آن‌هاست. به عبارت دیگر تنها با گوش کردن به صدای خود کودکان است که می‌توان به نقاط مبهم زندگی آنان پی برد (کریستنسن و جیمز، ۲۰۰۰: ۷).

فهرست منابع

خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۷). «درآمد دوم: نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک در ایران موقعیت، ویژگی‌ها، ضرورت‌ها». *دیگرخوانی‌های ناگزیر: روی‌کردهای نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک*. مرتضی خسرونژاد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، صص ۴۱-۶۷.

محسن‌زاده. (۱۳۸۴). «فرایند زیست روش‌های پژوهش در پایان‌نامه‌های کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی (۱۳۴۷-۱۳۷۸)». *اطلاع‌شناسی*، شماره‌ی ۷ و ۸ (بهار و تابستان)، صص ۳۳-۵۴.

هانت، پیتر. (۱۳۸۶). درک ادبیات کودکان (سیری در ادبیات کودکان جهان). ترجمه‌ی محمود نورمحمدی، قزوین: سایه گستر.

ـــــــــ (۱۳۸۷). «درآمد اول: ادبیات کودک، نقد و نظریه‌ی نقد». ترجمه‌ی مرتضی خسرونژاد، *دیگرخوانی‌های ناگزیر: روی‌کردهای نقد و نظریه‌ی ادبیات کودک*. مرتضی خسرونژاد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، صص ۲۳-۴۰.

Christensen, P. and James, A. (Eds). (2000). *Research with Children: Perspectives and Practices*. London: Falmer Press.

Erwin, Clarissa. (1983). "Approaches to children's literature: A multi-purpose collection". *Reference Services Review*. (summer): P.P. 67 – 71.